

شناسایی ملاکهای پذیرش دانشجویان دوره دکتری: مطالعه‌ای کیفی

حاتم فرجی ده‌سرخ¹، حمیدرضا آراسته²، عبدالرحیم نوه‌ابراهیم³ و بیژن عبدالهی⁴

چکیده

در چند سال اخیر نحوه پذیرش دانشجویان دکتری موضوع مورد مناقشه میان جامعه دانشگاهی بوده و به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در تضمین کیفیت دوره دکتری توجه زیادی را به خود معطوف داشته است. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر شناسایی ملاکهای پذیرش دانشجویان در دوره دکتری و ارائه الگوی مفهومی بود. بدین منظور، از روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی استفاده شد. نمونه‌ای هدفمند متشکل از 14 نفر عضو هیئت علمی، سیاستگذاران حوزه پذیرش دانشجو و متخصصان آموزش عالی به‌عنوان مطلعان کلیدی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. یافته‌ها حول دو محور اصلی ملاکها و پیش‌بین‌ها تنظیم شد. در بخش مربوط به ملاکها 246 کد اولیه، 17 مقوله فرعی و 5 مقوله اصلی و در بخش مربوط به پیش‌بین‌ها 236 کد اولیه، 16 مقوله فرعی و 7 مقوله اصلی استخراج شد. در نهایت، با توجه به یافته‌ها و الهام از ادبیات پژوهش الگوی مفهومی نظام پذیرش ارائه شد.

کلیدواژه‌گان: آموزش عالی، نظام پذیرش، ملاکها، پیش‌بین‌ها، دوره دکتری.

مقدمه

از دهه 1990 تضمین کیفیت آموزش عالی و به‌ویژه دوره‌های دکتری به‌عنوان پایه جامعه دانش‌بنیان به یکی از دغدغه‌ها و اولویتهای اصلی سیاستگذاران و دست‌اندرکاران عرصه آموزش عالی تبدیل شده و انتشار بیانیه‌هایی همچون بیانیه بولونیا (1999) و استراتژی لیسبون (2000) با هدف تضمین کیفیت دوره دکتری شاهدهی بر این مدعاست.

1. دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: hatam.faraji@gmail.com

2. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: heplanning@yahoo.com

3. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: Naveh1954@yahoo.com

4. دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: biabdollahi@yahoo.com

پذیرش مقاله: 1394/10/13

دریافت مقاله: 1394/3/12

در روند اصلاح و بازاندیشی به‌منظور تضمین کیفیت دوره‌های دکتری از کجا باید شروع کرد؟ به باور لیپش‌تاز (Lipschutz, 1993) در جریان اصلاحات در دوره دکتری فرایند پذیرش اولین عنصری است که گروه‌های آموزشی باید بدان توجه کنند. هولندر (Hollander, 2010) نیز بیان می‌کند که یکی از عوامل بسیار مهم در تضمین کیفیت دوره‌های تحصیلات تکمیلی⁵ رویه‌های پذیرش استاندارد و فرایندهای پذیرش شفاف است. از این رو، مؤسسات آموزش عالی در تلاش‌اند تا استانداردهای دسترسی، انتخاب و پذیرش را بهبود بخشند (Bitusikova, 2010) و در این مسیر رویه‌های بسیار گزینشگرانه‌ای را به‌منظور جذب بهترین دانشجویان در پیش گرفته‌اند (Kehm, 2010).

توجه روزافزون به نظام پذیرش دانشجویان در دوره دکتری ناشی از آن است که علاوه بر اهمیت دیگر اجزای دوره دکتری همچون استادان شایسته و برنامه‌های مناسب، پذیرش دانشجویان شایسته و بالانگیزه برای اجرای تحقیق با کیفیت در دوره دکتری نیز مهم است (Fauber, 2006). در واقع، نظام پذیرش دانشجویان دوره دکتری با مباحث تضمین کیفیت این دوره و دانشگاه (Fu, 2012; Da Schwartz, 2004; Fu, 2012; مسائل اجتماعی، Roza, 1988; Hagedorn & Nora, 1996) (Schwartz, 2004; Fu, 2012; مسائل اقتصادی گره خورده است (Handa & Gordon, 1999; Feletti, Sanson-Fisher, Vidler, 1985; Kuncel, Hezlett & Ones, 2001; Bittlingmaier, 1977).

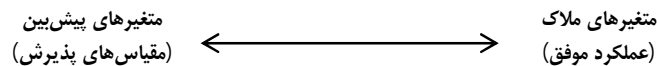
در کشور ایران، به‌ویژه در چند سال گذشته، دوره‌های دکتری دستخوش تغییراتی بوده که ملموس‌ترین آن تغییر نظام پذیرش دانشجویان دکتری از نامتمرکز به نیمه‌متمرکز است؛ این تغییر موافقتها و مخالفت‌هایی را در محافل دانشگاهی به دنبال داشته است. بنابراین، بررسی شیوه پذیرش دانشجویان دکتری اهمیت شایانی دارد، چرا که این قبیل مطالعات می‌تواند به برون‌رفت از چالش‌های موجود در نظام پذیرش دکتری در کشور کمک کند. شوارتز (Schwartz, 2004) در اهمیت این موضوع بیان می‌کند که ما باید برای ایجاد جامعه‌ای تلاش کنیم که در آن افراد بیشتری در انتخاب نحوه زندگی و تحقق ظرفیت‌هایشان آزاد باشند. منصفانه‌ترین و پذیرفته‌ترین راه برای تحقق این مهم آموزش عالی است. اگر نظام پذیرش دانشجویان منصفانه باشد، موفقیت در آموزش عالی به استعداد و انگیزش بستگی خواهد داشت، نه رابطه و رابطه‌بازی، پول یا پارتی و بنابراین، تلاش در خصوص ایجاد نظام پذیرش منصفانه ارزشمند است.

نظام پذیرش دانشجو: پذیرش دانشجو در آموزش عالی واژه‌ای کلی است که همه فعالیت‌ها، سیاست‌ها، رویه‌ها و اقدامات صورت گرفته در فرایند پذیرش دانشجویان در آموزش عالی را در بر می‌گیرد (The Quality Assurance Agency for Higher Education, 2006). بنابراین، خط‌مشی پذیرش دانشجویان سنگ‌بنای همه اقدامات، از تماس اولیه با متقاضیان بالقوه گرفته تا پذیرش آنها در

۵. Graduate School

مؤسسه یا دانشگاه، است که به تعامل مستمر داوطلب و دانشگاه کمک می‌کند (SPA, 2014) و هدف آن نیز شناسایی و انتخاب شایسته‌ترین افرادی است که عملکرد موفقیت‌آمیزی در دوره تحصیلی و دانشگاه خواهند داشت (Fauber, 2006; Crosby, Dunn, Fallacaro, Michael, Jozwiak- Shields & Maclsaac, 2003; Burmeister, McSpadden, Rakowski, Nalichowski, Yudelev & Snyder, 2014; Da Roza, 1988; Salvatori, 2001; Saaty, France & Valentine, 1991; Nelson, Canada, & Lancaster, 2003; Fu, 2012; The Quality Assurance Agency for Higher Education, 2013; Schwartz, 2004; The Quality Assurance Agency for Higher Education, 2004). بنابراین، ماهیت فرایند پذیرش دانشجویان پیش‌بینی کردن و نظام پذیرش دانشجویان معادله پیش‌بینی است (Rippey, Thal & Bongard, 1981; Willingham, 1973) که در یک سوی آن متغیرهای پیش‌بین و در سوی دیگر، متغیرهای ملاک قرار دارند (شکل 1). بنابراین، هر گونه بحث درباره نظام پذیرش دانشجو و بررسی یا طراحی آن با دو مسئله اصلی؛ یعنی ملاک و پیش‌بین‌ها سر و کار دارد و برای آنکه در نظام پذیرش دانشجویان به درستی پیش‌بینی شود، باید مستندسازی شود که 1. متغیرهای ملاک رواج، پایا، مقبول، مهم و مرتبط و قابل پیش‌بینی‌اند. در ادبیات از این موضوع با عنوان مسئله ملاک یاد می‌شود؛ 2. متغیرهای پیش‌بین رواج، پایا، مقبول، مهم و مرتبطند. می‌توان از آن با عنوان مسئله پیش‌بین یاد کرد؛ 3. بین دو سوی معادله رابطه وجود دارد (Rippey, Thal & Bongard, 1981; Willingham, 1973; Bittlingmaier, 1977; Enright & Gitomer, 1989).

بنابراین، لازم است دو سوی معادله به دقت مطالعه و شواهد کافی در خصوص ویژگی‌های روانسنجی⁶ متغیرهای ملاک و پیش‌بین و همچنین نوع و شدت رابطه میان آنها ارائه شود. در این مطالعه دو مسئله اول -ملاک و پیش‌بین- به صورت کیفی بررسی شد.



شکل 1- نمای کلی نظام پذیرش

مسئله ملاک⁷: ویلینگهام (Willingham, 1973) ملاک را مقیاسها یا سنج‌های موفقیت دانشجو می‌داند که بعد از یک یا چند سال در دوره تحصیلات تکمیلی استفاده می‌شوند. به زعم وی و سایر محققان حوزه پذیرش دانشجو بهترین روش بهبود انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی و همچنین

۶. Psychometric
۷. Criterion Problem

اولین الزام در طراحی نظام پذیرش تدوین ملاکهاست. در این مرحله باید به دو سؤال اصلی زیر پاسخ داد:

1. موفقیت یا عملکرد خوب چیست؛ یعنی دانشجوی خوب در دوره دکتری چه ویژگیهایی دارد؟
2. نحوه سنجش موفقیت یا عملکرد خوب کدام است؟ (Kyllonen, Walters & Kaufman, 2005; Hartnett & Willingham, 1980).

مادامی که موفقیت و سنجها یا مقیاسهای آن به درستی تعریف نشوند، نه می‌توان از پیش‌بینی کننده‌ها حرف زد و نه می‌توان پیش‌بینی نندها را ارزیابی کرد (Bell, Blumstein, Brose, Carroll, Chang, Charles, Haswell, Michelitsch, Owens, Patil, Smith, Tupy, Walsh & Ware, 2014; Burton & Wang, 2005; Hartnett & Willingham, 1980; Dodge & Derwin, 2008). با توجه به اینکه گروههای آموزشی هدف واحدی ندارند و اهداف متعددی را دنبال می‌کنند، به موفقیت یا عملکرد موفقیت‌آمیز نه به‌عنوان پدیده‌ای تک بعدی - برای مثال داشتن معدل تحصیلی خوب - بلکه باید به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی - برای مثال داشتن معدل خوب، پژوهشگر خوب بودن، پاسدار دانش بودن - نگریست که تابع مجموعه‌ای از ویژگیها همچون دانش، انگیزش و شخصیت است (Kuncel et al., 2001). با توجه به چند بعدی بودن موفقیت یا عملکرد در تحصیلات تکمیلی باید از ملاکها و نه ملاک سخن برانیم. به‌زعم ویلینگهام (Willingham 1973) وجود ملاکهای چندگانه موفقیت، در زمان طراحی نظام پذیرش، نه تنها واقعیت اهداف گوناگون دوره تحصیلی را بهتر منعکس می‌کند، بلکه پیش‌بینی را بهبود می‌بخشد. انرایت و گیتومر (Enright & Gitomer, 1989) نیز معتقدند که مفهوم گسترش‌یافته عملکرد⁸ می‌تواند به تدوین ابزارهای ارزیابی‌ای بینجامد که پیش‌بینی عملکرد آتی را بهبود می‌بخشد.

هاگدورن و نورا (Hagedorn & Nora, 1996) دیدگاه بدیلی از موفقیت در تحصیلات تکمیلی و دوره‌های حرفه‌ای را به‌عنوان نقطه مقابل دیدگاههای سنتی تر که فقط بر پیشرفت تحصیلی (معدل دوره تحصیلات تکمیلی) تأکید دارد، معرفی می‌کنند. در این دیدگاه شاخصهای اتمام دوره، ادغام شدن با زندگی آکادمیک گروه، مشارکت حرفه‌ای در رشته مورد مطالعه و مهارتهای مرتبط با شغل به‌عنوان موفقیت در تحصیلات تکمیلی تلقی می‌شوند. استارک و همکاران⁹ در مطالعه خود موفقیت در تحصیلات تکمیلی را پدیده‌ای در نظر می‌گیرند که از دو بعد اصلی - شایستگی حرفه‌ای و شایستگی نگرشی - تشکیل شده است (Hagedorn & Nora, 1996). شایستگیهای حرفه‌ای به مهارتها و تواناییهایی

8. در دهه 60 میلادی تصور ساده‌انگارانه‌ای از موفقیت در تحصیلات تکمیلی وجود داشت و عملکرد موفق فقط برحسب نمره تعریف می‌شد (Enright & Gitomer, 1989; Hagedorn & Nora, 1996). این دیدگاه سنتی مسائلی همچون نابرابری در دسترسی به آموزش عالی و سقوط کیفیت آموزش عالی را به همراه داشت (Enright & Gitomer, 1989). در دهه 70 و با رشد بدنه تحقیقاتی، دیدگاه سنتی متروک و عملکرد به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی باز تعریف شد.

9. Stark et al.

اشاره دارد که سبب قضاوت حرفه‌ای درست می‌شود و شامل مهارت‌های مفهومی، تکنیکی، زمینه‌ای، بین فردی، ترکیب کردن¹⁰ و انطباقی است و شایستگی نگرشی مواردی همچون انگیزه برای یادگیری مداوم، دغدغه بهبود حرفه، هویت حرفه‌ای و موازین اخلاقی را در بر می‌گیرد. کیلون و همکاران (Kyllonen et al., 2005) موفقیت را پدیده‌ای دو بعدی متشکل از عوامل عملکردی (تسلط بر حوزه¹¹، تسلط کلی¹²، تلاش برای برقراری ارتباط، نظم و انضباط، کار تیمی، رهبری و مدیریت) و عوامل عاطفی¹³ (دوست داشتن و عوامل نگرشی) می‌دانند.

محققان برای سنجش موفقیت در دوره تحصیلات تکمیلی از سنج‌های گوناگونی استفاده کرده‌اند. هارتنت و ویلینگهام (Hartnett & Willingham, 1980) سه طبقه از مقیاسها یا سنج‌های ملاک را از هم متمایز می‌کنند: معیارهای سنتی (نمرات و عملکرد در امتحانات)، شواهد مرتبط با موفقیت حرفه‌ای (انتشارات و جوایز) و معیارهای طراحی شده با مقاصد خاص¹⁴ (نمونه‌های کاری). کیلون و همکاران (Kyllonen et al., 2005) سنج‌های موفقیت را به 9 دسته تقسیم می‌کنند: معدل، آزمون جامع، ارزشیابی استادان (ارزشیابی توانایی‌های دانشجوی، ارزشیابی کیفیت پایان‌نامه، ارزشیابی پژوهشی و ارزشیابی عملکرد دانشجو در دوره کارآموزی)، ارزشیابی همسالان، تقدیرنامه‌ها، بهره‌وری پژوهشی (تعداد انتشارات و میزان استنادات)، شاخصهای شغلی (پیشنهادهای شغلی، درآمد و رشد، فضای کاری، تحرک شغلی و رضایت شغلی)، ترک تحصیل و مدت زمان اخذ مدرک تحصیلی. شایان ذکر است که هر یک از سنج‌های موفقیت نقاط ضعف و محدودیتهای خاص خود را دارند. بنابراین، بهتر است از چندین سنج موفقیت همزمان استفاده شود تا نه تنها بر محدودیتهای هر یک از سنج‌ها یا مقیاسها غلبه شود، بلکه تصویر کامل‌تری از موفقیت در دوره تحصیلات تکمیلی نیز ارائه شود.

مسئله پیش‌بین: متغیرهای پیش‌بین مقیاس یا سنج‌های ظرفیت دانشجو در زمان پذیرش هستند. بعد از تعریف موفقیت، سؤال این است که چگونه می‌توان آن را پیش‌بینی کرد (Hagedorn & Nora, 1996)؛ به عبارت دیگر، ما به دنبال چه کسی با چه ویژگی‌هایی در زمان پذیرش دانشجو هستیم. این گام مهمی است، چرا که تصمیمات خطیری با استفاده از معیارهای پذیرش صورت می‌گیرد (Fu, 2012). در تعیین عوامل پذیرش دانشجویان دو سؤال اصلی زیر مطرح می‌شود:

1. کدام عوامل می‌توانند دانشجویان موفق را از دانشجویان ناموفق متمایز سازند (Weiner, 2013)؟ آیا متغیرهای پیش‌بین موفقیت دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند (Willingham, 1973; Bell et al., 2014)؟

2. نحوه سنجش آنها چگونه است (Kyllonen et al., 2005; Nelson et al., 2003)؟

-
- ۱۰. Integrative Skill
 - ۱۱. Domain Proficiency
 - ۱۲. General Proficiency
 - ۱۳. Affective Factor
 - ۱۴. Specially Developed Criteria

در خصوص سؤال اول در ادبیات این اجماع وجود دارد که در فرایند پذیرش دانشجویان، به منظور افزایش توان پیش‌بینی و انصاف، علاوه بر متغیرها یا شایستگیهای شناختی یا آکادمیک - همچون نمرات- باید به متغیرهای غیرشناختی- همچون انگیزش، شخصیت و اخلاقیات- نیز توجه کرد (Kyllonen et al., 2005; Bittlingmaier, 1977; Salvatori, 2001; Saaty et al., 1991; Nelson et al., 2003; Kuncel & Hezlett, 2010; Ibrahim, Yusof, Razak & Enright & Gitomer, 2014; Hagedorn & Nora, 1996). تحقیق انرایت و گیتومر (Enright & Gitomer, 1989) از جمله تحقیقات بارز در زمینه ویژگیهای مورد توجه هنگام پذیرش دانشجویان و شیوه سنجش آنهاست. این محققان از طریق مصاحبه با روانشناسان بنام در حوزه شناخت و اعضای هیئت‌علمی در دیگر حوزه‌ها هفت شایستگی مهم مرتبط با موفقیت در تحصیلات تکمیلی و روشهای سنجش متناظر آنها را بر اساس جدول 1 مشخص کردند.

جدول 1- هفت شایستگی کلی مهم و نحوه سنجش آنها (Enright & Gitomer, 1989)

مرکز ارزیابی					نحوه سنجش شایستگیها
مباحث گروهی	نقد گزارش	طرح‌ریزی تحقیق	تکمیل گزارش	مصاحبه	
*		*	*		برنامه‌ریزی
*	*	*	*	*	برقراری ارتباط
*	*	*	*		تیین
*	*	*	*		ترکیب
*	*			*	حرفه‌ای‌گرایی
*				*	انگیزش
*	*	*	*		خلاقیت

با توجه به جدول 1، بیشتر شایستگیها فردی یا غیرشناختی هستند. انرایت و گیتومر (Enright & Gitomer, 1989) از اصطلاح مرکز ارزیابی برای سنجش این شایستگیها استفاده می‌کنند. مرکز ارزیابی رویکردی است که از ابزارهای مصاحبه، تکمیل گزارش، طرح‌ریزی تحقیق، نقد گزارش و بحث گروهی به منظور ارزیابی داوطلب در زمان پذیرش استفاده می‌کند. والپول و همکاران (Walpole, Burton, Kanyi & Jakenthal, 2002) در تحقیقی از اعضای هیئت‌علمی خواستند تا متغیرهای پیش‌بین را که هنگام پذیرش باید مورد توجه قرار گیرند، مشخص کنند. تناسب بین دانشجو و اهداف برنامه مهم-ترین متغیر پیش‌بین شناسایی شد. دیگر متغیرهای پیش‌بین شناسایی شده به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: ارزشها (درستی، انصاف و صداقت داشتن و قابل اعتماد بودن)، بلوغ و مسئولیت‌پذیری، توانایی نوشتن، داشتن تجربه پژوهشی، داشتن مهارتهای میان فردی (توانایی کار تیمی)، تعهد داشتن به رشته، ابتکار عمل داشتن، وسعت نظر داشتن، داشتن تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله، انگیزش، توانایی انجام دادن کار، رهبری، سماجت و پافشاری، داشتن استقلال، داشتن ذهن باز، برقراری ارتباط حرفه‌ای، تسلط به

زبان انگلیسی، داشتن خلاقیت، سواد کامپیوتری، مهارت داشتن در پژوهش، توان گردآوری اطلاعات، داشتن وجهه حرفه‌ای، تناسب داشتن با فضای برنامه، انگیزه انجام دادن پژوهش، انعطاف‌پذیری، دادن نگرش مثبت، کمک حرفه‌ای، توانایی استخراج نتایج دقیق و توانایی از قبل برنامه‌ریزی کردن. کراسبی و همکاران (Crosby et al., 2003) از طریق مصاحبه با اعضای هیئت علمی به شناسایی ویژگیهای مطلوب داوطلبان ورود به دوره تکمیلی پرستاری پرداختند. این شایستگیها عبارت بودند از: ویژگیهای فردی (اخلاقی بودن، کنجکاوی و تقبل مسئولیت)، ویژگیهای حرفه‌ای (شایستگی کلینیکی، هویت پرستاری داشتن)، مهارتهای کلینیکی (برقراری ارتباط بین فردی مؤثر و ترکیب اطلاعات از منابع مختلف) و تجارب کلینیکی. کیلون و همکاران (Kyllonen et al., 2005) عوامل غیرشناختی مرتبط با موفقیت در تحصیلات تکمیلی به سه دسته عوامل شخصیت، نگرشی (مفهوم خود، خودکارآمدی، انگیزش، علایق، نگرشها یا ارزشهای اجتماعی) و شبه شناختی¹⁵ (خلاقیت، هوش هیجانی، سبک شناختی و فراشناخت) تقسیم می‌کنند. از نظر آنان ویژگیهای غیرشناختی به‌طور مستقیم موفقیت در تحصیلات تکمیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در خصوص نحوه سنجش شایستگیهای مطلوب شناختی و غیرشناختی، امروزه در ادبیات از دو مقیاس کلی سنتی یا آکادمیک - که شامل معدل و آزمونهای استاندارد برای سنجش شایستگیهای شناختی است - و غیرسنتی یا غیرآکادمیک - همچون آزمونهای شخصیت، مصاحبه، توصیه‌نامه‌ها و اظهارنامه‌های فردی¹⁶ برای سنجش شایستگیهای غیرشناختی - نام برده می‌شود (Kyllonen et al., 2005; Bittlingmaier, 1977; Salvatori, 2001; Saaty et al., 1991; Nelson et al., 2003) و هم اکنون نیز در پذیرش دانشجویان در دوره دکتری در رشته‌های گوناگون از معیارهای غیرآکادمیک و آکادمیک در فرایند پذیرش استفاده می‌شود (Nelson et al., 2003; Kyllonen et al., 2005). ساتی و همکاران (Satty et al., 1991) در پژوهش خود معیارها یا سنجها را به دو دسته کلی کمی (نمره GMAT و ریزنمرات) و کیفی (توصیه‌نامه و تجربه کاری) دسته‌بندی می‌کنند. از نظر آنان با استفاده از این دو دسته معیار می‌توان داوطلب را به‌صورت جامع ارزیابی کرد.

نظام پذیرش دانشجو در دانشگاههای برتر: در این بخش به‌منظور برقراری ارتباط بین مبانی نظری ادبیات نظام پذیرش دانشجو و آنچه در عمل وجود دارد، با استفاده از نظام رتبه‌بندی شانگهای نظام پذیرش دانشجو در سه دانشگاه اول دنیا - هاروارد و استنفورد از آمریکا و کمبریج از انگلستان - بررسی شده است. از آنجا که در این دانشگاهها گروههای آموزشی و دانشکده‌ها به‌صورت مستقل به پذیرش دانشجو اقدام می‌کنند، از دانشگاه هاروارد گروه آموزشی روانشناسی، از دانشگاه استنفورد دانشکده تحصیلات تکمیلی کسب و کار و از دانشگاه کمبریج گروه آموزشی زیست‌شیمی انتخاب و با مراجعه به

۱۵. Quasi-cognitive

۱۶. Personal Statement

تارگه این دانشگاهها و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط نظام پذیرش آنها با توجه به دو مسئله ملاک و مسئله پیش‌بین بررسی شد.

در گروه آموزشی روانشناسی دانشگاه هاروارد موفقیت یا عملکرد موفقیت‌آمیز در دوره دکتری بدین صورت توصیف شده است: «دوره دکتری روانشناسی غیربالینی باید در مدت پنج سال اتمام یابد. دانشجویانی که به زمان بیشتری برای تحصیل نیاز دارند، باید درخواست خود را به کمیته مدارک عالی ارائه دهند و تأییدیه کتبی دریافت کنند. دانشجویانی که در پایان سال ششم تحصیل قادر به اتمام دوره دکتری نباشند، اخراج خواهند شد. در طول دوره، همه دانشجویان باید الزاماتی را برآورده کنند. الزامات کلاسی با اخذ نمره B+ یا بالاتر برآورده می‌شود». الزامات این گروه برای سنجش عملکرد موفقیت‌آمیز نیز عبارت‌اند از: اتمام موفقیت‌آمیز کلاسهای اجباری و اختیاری، آزمونهای تخصصی، پروژه‌ها و مقالات پژوهشی، پروپوزال رساله و دفاع از رساله (http://www.gsas.harvard.edu/programs_of_study_psychology.php). در دانشکده کسب و کار دانشگاه استنفورد دوره دکتری بدین صورت توصیف شده است: «سخت بودن دوره تمام وقت دکتری انرژی و اشتیاق در پیگیری فهم عمیق و تعهد به تسلط به علوم رفتاری، اقتصادی و ریاضی را، که مؤلفه‌های اساسی پژوهش آکادمیک در رشته‌های مرتبط با کسب و کار هستند، می‌طلبد. هدف برنامه درسی دوره دکتری مجهز کردن دانشجویان به ابزاری برای پیگیری چالش برانگیزترین موضوعات پژوهشی است. هر چند که دوره دکتری سخت و منظم است، اما منعطف است و به دانشجویان اجازه می‌دهد تا علایق پژوهشی خود را دنبال کنند. فرهنگ دانشکده مشارکتی است و بنابراین، دانشجویان باید قادر باشند با هم یاد بگیرند، با هم مطالعه کنند و با هم کار کنند. برای اینکه دانشجویان دکتری با موفقیت این دوره را به اتمام برسانند، باید در طول دوره دکتری مراحل را پشت سر بگذرانند. از آنجایی که دوره دکتری در دانشکده کسب و کار سخت و چالشی است، دانشجویان باید بنیه تحصیلی قوی داشته باشند» (<http://www.gsb.stanford.edu/programs/phd/> academic-experienc). برای اینکه دانشجو با موفقیت دوره دکتری را به پایان برساند، باید الزاماتی را، که روشهای سنجش عملکرد دانشجو هستند، با موفقیت برآورده کند. این الزامات عبارت‌اند از: اتمام موفقیت‌آمیز کلاسها، ارزیابی سالانه، آزمون تخصصی، فعالیتهای پژوهشی، کارآموزی، سمینارها، مقالات پژوهشی، داوطلبی، امتحان شفاهی و رساله دکتری (<http://www.gsb.stanford.edu/programs/phd/> academic-experience/ degree-requirements). در گروه آموزشی زیست شیمی دانشگاه کمبریج دوره دکتری بدین صورت توصیف شده است: «این گروه با توجه به فاند دوره‌های دکتری تمام وقت چهار ساله و سه ساله برگزار می‌کنند. دانشجویان در یک گروه پژوهشی قرار داده می‌شوند و یک پروژه پژوهشی را با موافقت پژوهشگر ارشد¹⁷ انجام می‌دهند. هیچ‌گونه کلاسی که در پایان ارزیابی شود وجود ندارد، اما دانشجویان باید در کلاسهای مهارت‌افزایی فردی¹⁸ شرکت کنند. در ابتدای سال اول

۱۷. Principal Investigator

۱۸. Individual Program of Skills Course

دانشجویان در کنفرانسها¹⁹ شرکت می‌کنند و بعد از آن از طیف وسیعی از فرصتهای موجود انتخاب می‌کنند. در طول سال اول، دانشجویان به صورت شفاهی و به اختصار پروژه خود را ارائه می‌دهند. در پایان سال اول دانشجویان یک گزارش می‌نویسند که از آن ارزیابی شفاهی به عمل می‌آید. دانشجویان فقط زمانی در دوره دکتری ثبت‌نام می‌شوند که عملکرد رضایت‌بخشی در سال اول داشته باشند. در سال دوم، دانشجویان کارشان را به شکل پوستر ارائه می‌دهند و در سال سوم، کارشان را به صورت شفاهی برای کل گروه ارائه می‌دهند. در همه این سالها دانشجویان می‌توانند در رویدادها و رقابتها که در دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم زیستی و خود دانشگاه سازماندهی شده است، شرکت کنند. در طول دوره دکتری تلاش دانشجویان بر نوشتن پایان‌نامه متمرکز خواهد شد. پایان‌نامه باید نشان‌دهنده کمک چشمگیر به یادگیری باشد، برای مثال، کشف دانش جدید، برقراری ارتباط بین واقعیتهای نامرتبط پیشین، تدوین نظریه جدید یا اصلاح دیدگاههای قبلی» (<http://www.graduate.study.cam.ac.uk/courses/directory/blbcpdpbc>). در دوره دکتری، فرد باید الزامات یا مراحل را با موفقیت پشت سر بگذارد تا بتواند دوره دکتری را با موفقیت به اتمام برساند. این مراحل عبارت‌انداز: اتمام موفقیت‌آمیز دوره کارآموزی، شرکت در کلاسها، سمینارها و نگارش رساله (<http://www.graduate.study.cam.ac.uk/courses/directory/blbcpdpbc/requirements>). در خصوص مسئله پیش‌بین، ویژگیهای مطلوب و نحوه سنجش آنها در هر یک از واحدهای مطالعه مذکور در جدول 2 آورده شده است.

جدول 2- ویژگیهای مطلوب و روشهای سنجش آن در دانشگاههای برتر

واحد مطالعه	ویژگیهای مطلوب	نحوه سنجش (الزامات ورود)
گروه آموزشی روانشناسی دانشگاه هاروارد	صلاحیت و استعداد داوطلب	ریزنمرات و معدل، نمره GRE، نمره تافل، توصیه‌نامه
	تناسب داوطلب با دوره	توصیه‌نامه، بیان هدف
دانشکده کسب و کار دانشگاه استنفورد	ویژگیهای فرهنگی/قومی/انژادی/جنسیتی، دلایل فرد برای ادامه تحصیل، آمادگی تحصیلی، علایق تحصیلی و پژوهشی، اهداف شغلی، انگیزش	بیان هدف
	ظرفیت داوطلب برای موفقیت، شایستگی فرد برای دوره	توصیه‌نامه
	پاداشها، دستاوردهای آموزشی و پژوهشی، علایق، صلاحیتها، سوابق تحصیلی	رزومه
	توانایی شناختی و ذهنی، استعداد	نمره GRE یا GMAT
	تسلط به زبان انگلیسی	نمره تافل
گروه زیست‌شیمی دانشگاه کمبریج	امادگی آکادمیک	مدرک تحصیلی، معدل، محل تحصیل
	امادگی و شایستگی آکادمیک	مدرک تحصیلی، ریزنمرات و معدل
	تسلط به زبان انگلیسی	نمره آیلتس، نمره تافل، نمره CAE، نمره CPE
	تناسب داوطلب، دوره، توانایی آکادمیک، سطح زبان انگلیسی	توصیه‌نامه، مصاحبه
	توانایی رهبری، تعهد به بهبود زندگی دیگران	توصیه‌نامه شخصی، مصاحبه
	توانایی ذهنی و فکری	نمره GRE یا GMAT

۱۹. Course of Lectures

با توجه به جدول 2، دانشگاههای برتر دنیا طیف وسیعی از ویژگیها و شایستگیهای شناختی و غیرشناختی برای ارزیابی داوطلبان دوره دکتری را مورد ملاحظه قرار می‌دهند. بدین منظور، این دانشگاهها از الزامات ورود سنتی/آکادمیک و غیرسنتی/غیرآکادمیک مختلفی برای ارزیابی این ویژگیها استفاده می‌کنند.

روش پژوهش

طرح تحقیق حاضر پدیدارشناسی با رویکرد اکتشافی-توصیفی بود. بدین منظور نمونه‌ای هدفمند مشتمل بر 14 نفر عضو هیئت علمی، سیاستگذاران حوزه پذیرش دانشجو و متخصصان حوزه آموزش عالی انتخاب شدند؛ تمرکز بر استادان و خبرگانی بود که از موضوع پژوهش بیشتر آگاه بودند و می‌توانستند به سؤال پژوهش پاسخهای غنی‌تری بدهند. در واقع، از ملاکهایی همچون داشتن مدرک تخصصی در حوزه آموزش عالی، حضور در نشستهای مربوط به پذیرش دانشجویان دوره دکتری و داشتن مطالعه در این زمینه، داشتن سابقه پذیرش دانشجوی دکتری و افرادی که در سیاستگذاریهای حوزه پذیرش دانشجوی دکتری نقش داشته‌اند، برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان استفاده شد. به علاوه، از روش گلوله برفی نیز برای انتخاب مطلعان کلیدی استفاده شد، بدین صورت که از مصاحبه‌شونده قبلی خواسته می‌شد تا مصاحبه‌شونده بعدی را که از نظر وی فردی مطلع در زمینه حوزه پذیرش دانشجویان، معرفی کند. بنابراین، اعضای نمونه به‌طور مستقیم با بحث نحوه پذیرش دانشجویان دکتری، هم در مقام نظر و هم در مقام عمل، در ارتباط بوده‌اند (جدول 3).

جدول 3- نمونه پژوهش و تعداد آن

تعداد	جنسیت	رشته تخصصی	رتبه دانشگاهی	گروه مورد مصاحبه
7	مرد	مهندسی شیمی	استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس	اعضای هیئت علمی
	مرد	بیوفیزیک مهندسی پروتئین	استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس	
	مرد	مدیریت آموزشی	دانشیار دانشگاه خوارزمی	
	مرد	مدیریت آموزشی	استاد تمام دانشگاه تهران	
	مرد	مدیریت آموزشی	استاد تمام دانشگاه خوارزمی	
	مرد	مهندسی منابع آب	استادیار دانشگاه امیرکبیر	
	مرد	علوم اعصاب	استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس	
4	مرد	آموزش عالی	استاد تمام دانشگاه تهران	متخصصان آموزش عالی
	مرد	مدیریت آموزش عالی	استاد تمام دانشگاه خوارزمی	
	مرد	مدیریت آموزشی	استاد تمام دانشگاه خوارزمی	
	مرد	مدیریت آموزش عالی	عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	
3	مرد	سنجش و اندازه‌گیری	عضو هیئت علمی سازمان سنجش آموزش کشور	سیاستگذاران حوزه پذیرش
	مرد	مدیریت آموزشی	عضو هیئت علمی سازمان سنجش آموزش کشور	
	مرد	برنامه‌ریزی آموزشی	عضو هیئت علمی سازمان سنجش آموزش کشور	

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند استفاده شد. ابتدا محققان با الهام از مبانی نظری و ادبیات مربوط سؤالات مصاحبه را مشخص کردند. بدین ترتیب، پروتکل مصاحبه از چهار سؤال زیر تشکیل شد که دو سؤال اول درباره مسئله ملاک و دو سؤال دوم درباره مسئله پیش‌بین‌ها در نظام پذیرش دانشجو بود:

1. موفقیت یا عملکرد موفقیت‌آمیز در دوره دکتری چیست یا دانشجوی دکتری موفق کیست؟
2. نحوه سنجش موفقیت یا عملکرد موفق‌آمیز در دوره دکتری چگونه است؟
3. شایستگی‌های مطلوب در زمان پذیرش کدام‌اند؟
4. نحوه سنجش شایستگی‌های مطلوب در زمان پذیرش چگونه است (الزامات ورود)؟

نحوه ساماندهی جلسات مصاحبه بدین ترتیب بود که از طریق تلفن یا پست الکترونیکی با مصاحبه‌شوندگان هماهنگی اولیه صورت گرفت و با توضیح موضوع مصاحبه و هدف از اجرای آن زمان مناسب برای انجام دادن مصاحبه هماهنگ و تعیین شد. قبل از شروع مصاحبه، خلاصه‌ای از طرح پژوهش، نتایج بررسی پیشینه پژوهش و اهداف و سؤالات پژوهش به‌منظور مطالعه و آمادگی اولیه برای مصاحبه‌شوندگان از طریق پست الکترونیکی ارسال شد. در زمان مصاحبه پس از کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، متن کامل گفت‌وگوها ضبط و سپس بر روی کاغذ آورده شد. در زمان مصاحبه به‌منظور رفع ابهام و شفاف‌سازی بیشتر از سؤالات پیگیری همانند «منظور شما از چیست؟» یا «لطفاً در این زمینه بیشتر توضیح دهید؟» استفاده شد. طول مدت مصاحبه‌ها بین 30 تا 45 دقیقه بود. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای استراس و کوربین (Strauss & Corbin, 1998) با عنوان کدگذاری باز، محوری و انتخابی بهره گرفته شد. در مرحله کدگذاری باز ابتدا متون به دقت مرور و بازخوانی شدند. پژوهشگران خط به خط و کلمه به کلمه داده‌ها را بازنگری و مفاهیم اصلی موجود در هر خط یا جمله را مشخص کردند و به آنها کد دادند. در مرحله کدگذاری محوری، کدهای استخراج شده بر اساس نزدیکی مفهومی و بیان یک مفهوم مشترک ذیل یک مقوله مشخص عنوان‌بندی شدند. بعد از این مرحله سعی شد که مقولات نیز در قالب دسته‌های بزرگ‌تر مفهومی طبقه‌بندی شوند. در واقع، عنوان‌بندی مقولات با الهام از مبانی نظری و تجربی، نظام پذیرش دانشگاه‌های برتر و ارتباط معنایی کدها صورت گرفت.

برازش روایی پژوهش: برای حصول اطمینان از روایی پژوهش اقدامات زیر انجام گرفت:

1. تطبیق توسط اعضا²⁰: در این مرحله برخی از مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی، فرایند تحلیل یا مقوله‌های به‌دست آمده را بازبینی و نظر خود را در این خصوص ارائه کردند.
2. بررسی همکار²¹: در این مرحله استادان راهنما و مشاور و سه نفر از دانشجویان دوره دکتری یافته‌ها را بررسی و نظرهای خود را ارائه کردند.

یافته‌ها

یافته‌ها حول سؤالات مصاحبه متمرکز شده‌اند که در ادامه به‌صورت مفصل و مجزا به آنها پرداخته شده است.

1. دانشجوی دکتری موفق کیست؟

با تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها و همچنین مطابقت آنها با مبانی نظری، 143 کد اولیه، 13 مقوله فرعی و 3 مقوله کلی به‌دست آمد. (جدول 4).

جدول 4- نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در خصوص دانشجوی موفق دوره دکتری

مقولات کلی	مقولات فرعی	نمونه‌ای از داده‌ها با بیشترین فراوانی
تسلط حرفه‌ای	تسلط بر حوزه مربوط	داشتن زمینه و بینش علمی، به روز بودن، آگاهی از آخرین تحولات علمی مربوط به رشته خود
	تسلط پژوهشی	توان اجرای پژوهش به‌صورت مستقل، تسلط بر روشهای پژوهش
	مهارت‌های شغلی	توان تقبل مسئولیت در حیطه مربوط، توان به‌کارگیری آموخته‌ها در محیط شغلی
عملکرد حرفه‌ای	حضور حرفه‌ای	عضویت در انجمنهای تخصصی، حضور در محافل علمی
	ارتباط با صنعت	همکاری پژوهشی با سازمانها، همکاری حرفه‌ای با سازمانها
	محصولات علمی	بازیرگر عرصه تولید دانش بودن، تولید کتاب، تولید مقاله
	برنامه‌ریزی	تصمیم‌گیری در خصوص شغل، ساماندهی برای اتمام به‌موقع دوره
شایستگی فردی	خلاقیت	توان تولید ایده‌های نو، نو اندیش بودن، ذهن فعال و سرکش، پرسشگری
	سماجت و پافشاری	پشتکار داشتن، جدیت داشتن، کنجکاوی، ناامید نشدن، پیگیر بودن
	جرات‌ورزی	ریسک‌پذیر بودن، شجاعت شکستن مرزهای دانش
	مهارت برقراری رابطه سازنده	داشتن رابطه خوب با استاد، داشتن رابطه خوب با دانشجویان، توان کار گروهی
	نگرش حرفه‌ای	تعهد به رشته، علاقه به رشته
	انگیزه	خودانگیزگی بودن، تمایل پژوهش

با توجه به جدول 4، مصاحبه‌شوندگان به طیف وسیعی از متغیرها و ویژگیها در خصوص موفقیت در دوره دکتری اشاره کرده‌اند که به‌دلیل ازدیاد آنها فقط نمونه‌ای از داده‌ها که بیشترین فراوانی را داشتند، ارائه شده است. در مرحله بعد، کدهای مشابه در یک طبقه جای داده شدند و برای هر طبقه عنوانی که نشان‌دهنده کل کدهای آن طبقه باشد، انتخاب شد و بدین ترتیب، 13 مقوله فرعی تولید شدند که هر یک به بعد خاصی از موفقیت اشاره داشتند. در نهایت، با توجه به ارتباط معنایی مقولات فرعی، مطابقت با ادبیات نظری و تجربی و همچنین الهام از نظام پذیرش دانشگاه‌های برتر، سه مقوله اصلی به‌عنوان ابعاد اصلی موفقیت در دوره دکتری شناسایی شدند. بنابراین، می‌توان گفت که دانشجوی موفق

در دوره دکتری کسی است که بر حوزه تخصصی خود تسلط دارد، عملکرد حرفه‌ای چشمگیری در دوره دکتری به منصفه ظهور می‌رساند و از نظر شخصیتی نیز دارای ویژگیهای برجسته‌ای است. در ادامه این ابعاد تشریح شده‌اند.

تسلط حرفه‌ای: مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که تسلط حرفه‌ای یکی از ویژگیها یا شایستگیهای دانشجوی موفق در دوره دکتری است و در سطح تسلط حرفه‌ای، تسلط پژوهشی به معنای تسلط بر همه روشهای پژوهش و توانمندی اجرای پژوهش به‌طور مستقل، از فرایند بیان مسئله گرفته تا تدوین گزارش نهایی، مهم‌ترین ویژگی ذکر شده بود. بیانات زیر مؤید اهمیت تسلط حرفه‌ای است:

«دانشجوی من باید کسی باشد که زمینه و بینش علمی داشته باشد و به قلمرو رشته خود مسلط باشد».

«باید بتواند مسئولیت حرفه‌ای را تقبل کند و از آموخته‌هایش در محیط کار استفاده کند».

عملکرد حرفه‌ای: به‌زعم مشارکت‌کنندگان، دانشجوی موفق در دوره دکتری باید در مجامع و محافل علمی حضور پیدا کند، بتواند با سازمانهای مربوط همکاری پژوهشی داشته باشد و نتایج کارهای پژوهشی خود را مدون و منتشر کند. به علاوه، مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که دانشجوی دوره دکتری باید همه انرژی، امکانات و فعالیت‌هایش را حول امور دوره دکتری همچون نگارش رساله و تکالیف کلاسی متمرکز سازد و با تمام توان تلاش کند تا دوره را به موقع به پایان برساند. در سطح عملکرد حرفه‌ای، ارتباط با صنعت، به معنای همکاری پژوهشی و علمی با سازمانهای مرتبط با حوزه خود، مهم‌ترین مقوله مورد تأیید مشارکت‌کنندگان بود. گفته‌های زیر بیانگر اهمیت عملکرد حرفه‌ای است:

«در طول دوره دکتری هم سعی کند در تحقیقات کاربردی سازمانها کار کند».

«دانشجوی موفق در دوره دکتری فردی است که بتواند در تولید دانش و نوآندیشی نقش بازیگری داشته باشد».

«دانشجوی خوب در دوره دکتری باید تمام تلاش و هم و غمش را به دوره دکتری معطوف کند و تمام وقت و بدون بهانه- بهانه کارهای شخصی و ... بر این دوره متمرکز شود و هفت روز هفته درگیر موضوع باشد».

شایستگی فردی: شایستگی فردی یکی دیگر از ویژگیهای دانشجوی موفق در دوره دکتری است که به‌زعم مشارکت‌کنندگان می‌تواند در پیگیری اهداف حرفه‌ای این دوره و اتمام به‌موقع دوره نقش مهمی را ایفا کند. خلاقیت و به دنبال آن جرئت‌ورزی به معنای شهامت داشتن در شکستن مرزهای دانش و نقد ساختار دانش، مهم‌ترین ویژگیهای فردی دانشجویان دکتری ذکر شدند. گفته‌های زیر نشان‌دهنده اهمیت شایستگی فردی است:

«خلاصه با عشق کار کند باید هفت روز هفته درگیر موضوع باشد».

«در طول دوره نیز با استادان رابطه خوب داشته باشد و بتواند با آنها همکاری کند».

2. نحوه سنجش عملکرد موفق در دوره دکتری چگونه است؟

با تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها و مطابقت محتوا با مبانی نظری، برای این سؤال 103 کد اولیه، 4 مقوله فرعی و 2 مقوله اصلی استخراج شد (جدول 5).

جدول 5- نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در خصوص نحوه سنجش عملکرد موفق در دوره دکتری

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه‌ای از داده‌ها با بیشترین فراوانی
ارزشیابی	ارزشیابی تکوینی	حضور در کلاس، فعالیت‌های کلاسی، ارائه‌های کلاسی، حضور در کنفرانسها، حضور در سمینارها
	ارزشیابی پایانی	ارزیابی کیفیت رساله، ارزیابی‌های مسئله محور مبتنی بر قضاوت، نمرات
بهره‌وری علمی	محصولات علمی	مقاله، کتاب، پروژه‌های تحقیقاتی
	افتخارات	برگزیده شدن در جشنواره‌ها، رتبه اولی، عضویت در بنیاد ملی نخبگان

در خصوص نحوه سنجش عملکرد موفق، مصاحبه‌شوندگان به طیف وسیعی از ابزار و روشهای مختلف سنجش اشاره کردند و در جدول 5 آن دسته از داده‌های اولیه که بیشترین فراوانی را داشتند، ارائه شده‌اند. در مرحله بعد، کدهای مشابه در یک طبقه جای داده شدند و برای هر طبقه عنوانی که نشان دهنده کل کدهای آن طبقه باشد، انتخاب شد و بدین ترتیب، چهار مقوله فرعی شناسایی شد. مقولات فرعی نیز با توجه به اشتراک معنایی، مطابقت با ادبیات نظری و تجربی و همچنین الهام از نظام پذیرش دانشگاههای برتر در دو مقوله اصلی خلاصه شدند. می‌توان گفت که از نظر مصاحبه‌شوندگان با دو ابزار ارزشیابی و بهره‌وری پژوهشی می‌توان موفقیت در دوره دکتری را سنجید. در ادامه این ابزارها تشریح شده‌اند.

ارزشیابی: تقریباً همه مشارکت کنندگان معتقد بودند که ارزشیابی تکوینی مهم‌ترین نوع سنجش برای اطمینان از این مسئله است که دانشجو در مسیر درست در حال حرکت است. به‌زعم مشارکت‌کنندگان این نوع ارزشیابی در تضمین کیفیت دوره دکتری و برون‌داد آن - دانش‌آموخته موفق دوره دکتری - نسبت به ارزشیابی پایانی نقش مهم‌تری دارد. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که اگر دانشجوی دکتری همواره در طول این دوره بر اساس مواردی همچون حضور فعال و به‌موقع در کلاس، فعالیت‌های کلاسی و نحوه ارائه‌های کلاسی ارزیابی شود، از این طریق می‌توان عملکرد وی را ارتقا بخشید. حضور فعال در دانشگاه در تمام روزهای هفته مهم‌ترین عامل ذکر شده در بعد ارزشیابی تکوینی بود. بیانات زیر اهمیت ارزشیابی تکوینی را نشان می‌دهد:

«دیگر معیار حضور دانشجو این است که باید ببینیم وی چقدر در کلاس حضور دارد».

«ارزیابی پیشرفت تحصیلی و پیشرفت کارش باید از همان اول شروع شود».

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که ارزشیابی پایانی، در صورت درست انجام شدن، می‌تواند معیار مناسبی برای سنجش عملکرد دانشجوی دوره دکتری باشد. برای مثال، ارزشیابی‌های دوره دکتری همچون آزمون جامع تکرار مکررات است و بر مهارت‌های فکری سطح پایین تمرکز دارد، در حالی که این آزمونها نباید بر

حفظیات متمرکز شود، بلکه باید مسئله محور باشد. در سطح ارزشیابی پایانی، رساله بدین معنا که تا چه اندازه در آن نوآوری و انسجام وجود دارد، مهم‌ترین ابزار ارزیابی ذکر شد. بیانات زیر مؤید اهمیت ارزشیابی پایانی است:

«رساله ارزشیابی پایانی از کار دانشجو نشان می‌دهد که وی چقدر توانسته است دوره دکتری را به خوبی مدیریت کند.» و «آزمون جامع ایستگاه دیگری برای ارزیابی دانشجویان است، هرچند که من منتقد آزمون جامع یا شیوه فعلی هستم.»

بهره‌وری پژوهشی: برون‌داد دانشجو شاخص دیگری برای سنجش عملکرد دانشجوی دوره دکتری است. از نظر مشارکت‌کنندگان محصولات پژوهشی همچون کتاب، مقاله و پروژه‌های تحقیقاتی معیار مناسبی برای سنجش تواناییهای پژوهشی دانشجوی دوره دکتری است که با فلسفه دوره‌های دکتری - یعنی پژوهش محور بودن - همخوانی دارد. دیگر سنج‌ها عملکرد دانشجوی دوره دکتری، نشانها و جوایز و گواهینامه‌ها یا افتخاراتی است که در جشنواره‌ها، سازمانها و مراسم علمی به‌دلیل عملکرد برجسته فرد به وی داده می‌شود. از نظر مشارکت‌کنندگان، مقالات مستخرج از پروژه‌های تحقیقاتی و پایان‌نامه‌ها که با هدف حل مشکل خاصی انجام می‌شود، مهم‌ترین ابزار ارزشیابی عملکرد در سطح بهره‌وری پژوهشی معرفی شد. اهمیت بهره‌وری پژوهشی در قالب جملات زیر بیان شده است:

«معیار دیگر محصول کار دانشجو کتاب، مقاله و طرح است.»

«چه فرقی هست بین دو دانشجویی که حضور فعال و منظم در کلاس دارند؛ ولی یکی از آنها مثلاً در یک جشنواره مقام می‌آورد.»

3. شایستگیهای مطلوب در زمان پذیرش دانشجویان دوره دکتری کدام‌اند؟

پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه و مطابقت محتوا با مبانی نظری، 143 کد اولیه، 8 مقوله فرعی و 2 مقوله اصلی استخراج شدند (جدول 6).

با توجه به جدول 6، مصاحبه‌شوندگان به طیف وسیعی از ویژگیهای مورد توجه در زمان پذیرش دانشجویان اشاره کردند و در اینجا داده‌هایی که بیشترین فراوانی را داشتند، عرضه شده‌اند. در مرحله بعد، کدهای مشابه در یک طبقه قرار داده شدند و برای هر طبقه عنوانی که نشان‌دهنده کل کدهای آن طبقه باشد، انتخاب و بدین ترتیب، هشت مقوله فرعی تولید شد. با توجه به ارتباط معنایی مقولات فرعی، مطابقت با ادبیات نظری و تجربی و الهام از نظام پذیرش دانشگاههای برتر دو مقوله اصلی از شایستگیهای مطلوب در زمان پذیرش شناسایی شد. بنابراین، می‌توان گفت که از نظر مصاحبه‌شوندگان برای اینکه داوطلب بتواند در دوره دکتری عملکرد موفقیت‌آمیزی (چه در حوزه ارزشیابی و چه در حوزه بهره‌وری پژوهشی) داشته باشد، باید از شایستگیهای فردی و حرفه‌ای خاصی در زمان پذیرش برخوردار باشد. در ادامه این شایستگیها تشریح شده‌اند.

جدول 6- نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در خصوص شایستگیهای مطلوب در زمان پذیرش دانشجویان

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه‌ای از داده‌ها
شایستگی فردی	اخلاقیات	تواضع علمی داشتن، رعایت ادبیات، صداقت علمی داشتن
	انگیزه و علاقه	اهل مطالعه بودن، خودانگیزه بودن، سماجت در پژوهش، علاقه به یادگیری
	شخصیت	گشودگی نسبت به ایده‌های نو، تحمل ابهام
	توان ذهنی	توان درک مفاهیم، انسجام فکری، تفکر نظام‌مند، منطقی اندیشیدن، خلاق بودن
شایستگی حرفه‌ای	مهارت ارتباطی	توان کار تیمی، توانایی نوشتاری و نگارشی
	شایستگی آکادمیک	زبان انگلیسی، نمرات، مهارت در پژوهش، توان حل مسئله، دانش و زمینه علمی، آمادگی علمی
	حرفه‌ای گرایی	علمی صحبت کردن، هدف از ادامه تحصیل، داشتن ایده پژوهشی، داشتن چشم‌انداز و هدف
تجربه کاری	تجربه کاری مرتبط، تدریس، همکاری علمی با سازمانها، تجربه پژوهشی	

شایستگیهای فردی: اولین دسته از شایستگیها که از آن می‌توان در زمان پذیرش برای تفکیک داوطلب صلاحیتدار از داوطلب بدون صلاحیت استفاده کرد، شایستگیهای فردی داوطلب است. اهمیت شایستگیهای فردی به این دلیل است که به فرد کمک می‌کند تا با استادان و فضای فیزیکی و روانی دوره دکتری به راحتی سازگار شود و اهداف آموزشی را دنبال کند. اخلاقی بودن داوطلب دوره دکتری و به دنبال آن انگیزه داوطلب مهم‌ترین ویژگیهای فردی هستند که هنگام پذیرش دانشجویان این دوره باید در کانون توجه قرار گیرند. اهمیت شایستگیهای فردی در قالب نمونه جملات زیر بیان شده است:

«ویژگیهای اخلاقی دوره را هم باید مدنظر قرار داد، مثل صداقت به ویژه صداقت علمی».

«ویژگیهای فردی مثل کنجکاوی، خلاقیت، تفکر سیستماتیک و تفکر انتقادی مهم هستند».

شایستگی حرفه‌ای: شایستگی حرفه‌ای دسته دیگری از شایستگیهاست که در تصمیمات پذیرش دانشجوی دکتری باید مورد توجه قرار گیرد. به‌زعم مشارکت‌کنندگان شایستگی حرفه‌ای در زمان پذیرش دانشجویان به معنای تسلط کامل آنها بر ابعاد مختلف حوزه تحصیلی همچون روش تحقیق یا ادبیات نظری نیست، بلکه در زمان پذیرش آنان تسلط نسبی نیز کفایت می‌کند. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که تسلط کامل دانشجویان مربوط به زمان بعد از ورود به دوره دکتری و حتی اتمام دوره دکتری است. از نظر مشارکت‌کنندگان شایستگی آکادمیک مهم‌ترین ویژگی حرفه‌ای داوطلب به‌شمار می‌آید. آنها همچنین اظهار داشتند که تجربه کاری مرتبط با حوزه و رشته سبب می‌شود تا فرد به رشته خود احساس تعلق کند و با مسائل و مشکلات موجود در حوزه خود در عمل آشنا شود. جملات زیر مؤید اهمیت شایستگی حرفه‌ای است:

«در گذشته چکار کرده، در چه حوزه‌هایی مطالعه کرده، مطالعات خود را مکتوب کرده و نشان داده است. برای آمدن به مقطع دکتری هدف داشته باشد و دارای مسئله باشد.»
 «باید به توان عملی فرد توجه کنیم. به نظر من داوطلب دکتری باید دانش عمومیش در آن رشته قوی باشد. این دستمایه پژوهش‌های بعدی وی قرار می‌گیرد.»
 از نظر مشارکت‌کنندگان اصلی‌ترین هدف نظام پذیرش دانشجو، انتخاب آماده‌ترین و شایسته‌ترین داوطلبان برای دوره دکتری است و توجه به این دو دسته شایستگی در زمان پذیرش می‌تواند به پذیرش و انتخاب داوطلب شایسته و بالقوه موفق به دوره دکتری منجر شود؛ به عبارت دیگر، توجه به این دو دسته شایستگی سبب انتخاب داوطلبانی می‌شود که توانایی به پایان رساندن به‌موقع دوره دکتری را دارند.

4. نحوه سنجش شایستگی‌های مطلوب در زمان پذیرش دانشجویان دوره دکتری چگونه است؟

این سؤال معطوف به الزامات ورود دانشجویان به دوره دکتری در زمان پذیرش آنهاست. بعد از مشخص شدن شایستگیها و ویژگیهای مطلوب، چگونه می‌توان اطمینان یافت که داوطلب از شایستگیهای مطلوب برخوردار است؛ به عبارت دیگر، الزامات ورود ابزارهایی هستند که با آنها می‌توان شایستگیهای مطلوب را سنجید. با تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه و مطابقت محتوا با مبانی نظری، 93 کد اولیه، 8 مقوله فرعی و 5 مقوله اصلی استخراج شد (جدول 7).

جدول 7- نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در خصوص الزامات ورود

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه‌ای از داده‌ها
رزومه	پیشینه پژوهشی	موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کتاب، مقالات، اختراعات
	سابقه آموزشی	معدل دوره کارشناسی، معدل دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه محل تحصیل
نمونه‌های نوشتاری	توصیه‌نامه، اظهارنامه‌های فردی	توصیه‌نامه‌ها، اظهارنامه‌های فردی
آزمونهای استاندارد	آزمون عمومی توانایی شناختی	MCAT, GMAT, GRE
	آزمون زبان انگلیسی	IELTS, TOEFL
مصاحبه	مصاحبه گروهی، مصاحبه تک به تک	مصاحبه گروهی، مصاحبه تک به تک
کیفیت پژوهش	برجسته بودن نقش فرد	توجه به ترتیب نام نویسندگان در مقاله، توجه به ترتیب نام نویسندگان در کتاب
	کیفیت محتوای مقالات	روش پژوهش مورد استفاده، نو بودن موضوع

در خصوص الزامات ورود دانشجویان به دوره دکتری، مصاحبه‌شوندگان به طیف وسیعی از مقیاسها و سنجها اشاره کردند که در اینجا مقیاسهای با بیشترین فراوانی آورده شده‌اند. در مرحله بعد، کدهای

مشابه در یک طبقه قرار داده شدند و برای هر طبقه عنوانی که نشان‌دهنده کل کدهای آن طبقه باشد، انتخاب و بدین ترتیب، هشت مقوله فرعی تولید شد. با توجه به ارتباط معنایی مقولات فرعی، مطابقت با ادبیات نظری و تجربی و همچنین الهام از نظام پذیرش دانشگاه‌های برتر، پنج مقوله اصلی برای سنجش ویژگیهای مطلوب شناسایی شدند. از نظر مصاحبه‌شوندگان به‌منظور اطمینان از اینکه فرد مناسب وارد دوره دکتری می‌شود، باید از این مقیاسها با هم استفاده کرد. در ادامه این مقیاس تشریح شده‌اند.

رزومه: به‌زعم مشارکت‌کنندگان مهارتها و شایستگیهای حرفه‌ای فرد عمدتاً در رزومه فرد منعکس شده است و با مراجعه به رزومه فرد می‌توان شایستگیهای حرفه‌ای مطلوب را در زمان پذیرش دانشجویان سنجید. از نظر مشارکت‌کنندگان سابقه آموزشی داوطلب و به‌ویژه معدل دوره‌های کارشناسی و کارشناسی‌ارشد نسبت به پیشینه پژوهشی اهمیت بیشتری دارد. اهمیت رزومه در جملاتی همچون «من تأکید می‌کنم روی مصاحبه و رزومه» و «معدل هم انگیزه فرد را نشان می‌دهد و هم عملکردش در مقاطع پایین‌تر» بیان شده است.

نمونه‌های نوشتاری: از نظر مشارکت‌کنندگان توصیه‌نامه‌هایی که استادان صاحب‌نام در آن رشته می‌نویسند، می‌تواند در شناساندن ویژگیهای حرفه‌ای و فردی داوطلب همچون پشتکار داشتن و با انگیزه بودن وی به هیئت پذیرش دانشجو کمک شایانی بکند. هر چند که از نظر برخی از مشارکت‌کنندگان بهتر است که ساختار مشخصی برای توصیه‌نامه‌ها طراحی شود و استادان نیز از این ساختار پیروی کنند؛ بدین ترتیب، در زمان پذیرش ارزیابی داوطلبان نیز عینی‌تر می‌شود. به علاوه، از نظر مشارکت‌کنندگان اظهارنامه‌های فردی که در آن فرد از انتظارات و اهداف حرفه‌ای خود سخن بگوید، می‌تواند مقیاس مناسبی برای سنجش توانایی فرد در برقراری ارتباط کتبی و توانایی وی در نگارش منسجم و پیوسته باشد. اهمیت نمونه‌های نوشتاری در قالب جملاتی همچون «می‌شود از فرد خواست در یک صفحه خودش را معرفی کند و درباره علاقه و اهدافش درباره موفقیت‌ها و شکست‌هاش به ما بگوید» بیان شده است.

مصاحبه: مشارکت‌کنندگان بر اهمیت مصاحبه بسیار تأکید کردند، چرا که به‌زعم آنان از طریق مصاحبه می‌توان در زمان پذیرش دانشجوی دکتری بسیاری از شایستگیهای حرفه‌ای و فردی مطلوب را مشاهده و ارزیابی کرد، به شرطی که مصاحبه‌ها علمی‌تر، عملیاتی‌تر، هدفمندتر و ساختارمندتر باشند. بیانات زیر نشان‌دهنده اهمیت مصاحبه به‌عنوان الزام ورود به دوره دکتری است:

«معیار دیگری که الان متداول است و در اکثر دانشگاه‌های دنیا آن استفاده می‌شود، مصاحبه است، چه به صورت گروهی و چه به صورت انفرادی».

«در مصاحبه می‌توان آنچه در ذهن و دل داوطلب است را بیرون کشید».

آزمونهای استاندارد: به باور مشارکت‌کنندگان یکی از ویژگیهای دوره‌های دکتری در کشور ایران سیل عظیم متقاضیان ورود به این دوره‌هاست. از این رو، لازم است در مراحل اولیه پذیرش دانشجویان از طریق ابزارهای عینی غربالگری اولیه داوطلبان صورت گیرد. همه مشارکت‌کنندگان بر دو ابزار غربالگری اولیه - آزمون عمومی و آزمون زبان انگلیسی - تأکید داشتند. آزمون عمومی همانند آزمونهای GRE و GMAT است که از طریق آن می‌توان توانایی شناختی داوطلب همچون قضاوت کردن و ترکیب کردن را سنجید. مشارکت‌کنندگان بر این امر تأکید داشتند که برای هر گروه آزمایشی باید از آزمون استاندارد خاص آن گروه آزمایشی استفاده کرد. برای مثال، MCAT آزمون استاندارد مناسبی برای گروه آزمایشی علوم پزشکی است. آزمون زبان انگلیسی نیز دیگر آزمون غربالگری اولیه است. از نظر مشارکت‌کنندگان آگاهی به آخرین مطالب علمی روز در رشته‌ای خاص و به روز بودن مستلزم آن است که دانشجوی دوره دکتری به زبان انگلیسی مسلط باشد. در واقع، تسلط به زبان انگلیسی یکی از تواناییهایی است که همه مشارکت‌کنندگان بر آن اجماع داشتند. جملات زیر اهمیت آزمونهای استاندارد را نشان می‌دهد:

«تست‌های استاندارد خوب هستند، برای مثال تست زبان انگلیسی می‌تواند نشان دهد تا چه اندازه بر زبان تسلط دارد».

«آزمون استعداد هم باید برگزار شود تا فقط آنهایی که باهوش‌ترین افراد وارد مقطع دکتری شوند».

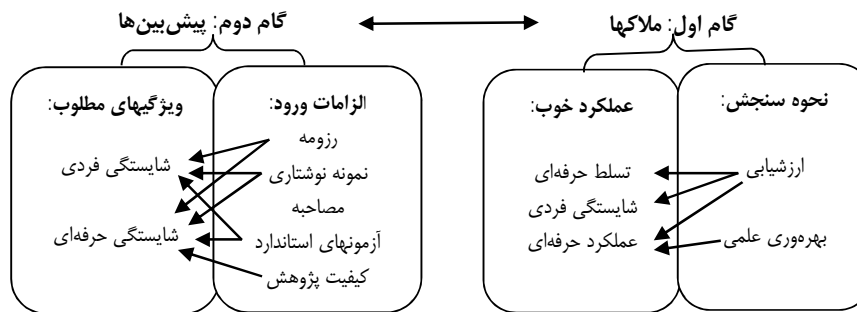
کیفیت پژوهش: از نظر مشارکت‌کنندگان یکی از معیارهای پذیرش دانشجویان در دوره دکتری که به انتخاب درست داوطلب شایسته منجر می‌شود، کیفیت مقالات وی و برجسته بودن نقش فرد - همچون نویسنده اول بودن - است. از نظر مشارکت‌کنندگان بعد کیفیت محصولات پژوهشی داوطلب اهمیت بیشتری نسبت به بعد کمی آن دارد. بیشتر مشارکت‌کنندگان اذعان کردند که نویسنده اول بودن نشان‌دهنده آن است که فرد در کل فرایند پژوهش و تدوین مقاله سهم داشته است و این امر می‌تواند مهر تأییدی بر شایستگی پژوهشی داوطلب باشد. البته، مشارکت‌کنندگان بر لزوم تدوین معیارهای عینی برای سنجش دقیق شایستگیهای مطلوب تأکید کردند. بیانات زیر مؤید اهمیت کیفیت پژوهش به‌عنوان الزام ورود به دوره دکتری است:

«به نظر من ترتیب نام نویسندگان را باید در نظر گرفت. ببینیم آیا فرد نویسنده اول یا دوم یا چندم است. نو بودن موضوع مقاله و روش پژوهش را هم در مقالات باید در نظر گرفت».

«مقاله‌ای که خود نویسنده در آن پیدا نباشد به رد نمی‌خورد».

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها و مباحث مطرح شده می‌توان الگوی مفهومی نظام پذیرش را به‌صورت شکل 2 ترسیم کرد. آنچه در شکل 2 مهم است، متغیرهای دو سوی نظام پذیرش و روابط میان آنهاست.



شکل 2- الگوی مفهومی پژوهش

همان‌طور که گفته شد، اولین الزام در طراحی نظام پذیرش منصفانه دانشجویان برای دوره دکتری تعریف موفقیت و مشخص کردن مؤلفه‌های آن است. برای این کار لازم است که اهداف گروههای آموزشی روشن و شفاف باشد (Burton & Wang, 2005)؛ از آنجا که گروههای آموزشی و دانشگاهها اهداف گوناگون و متعارض دارند، ملاکهای موفقیت نیز گوناگون و از رشته‌ای به رشته دیگر متفاوت خواهد بود (Willingham, 1973). در این پژوهش موفقیت به‌عنوان پدیده‌ای چند بعدی متشکل از تسلط حرفه‌ای، عملکرد حرفه‌ای و شایستگی فردی در نظر گرفته شده است.

سایر محققان و صاحب‌نظران (Hagedorn & Nora, 1996; Willingham, 1973; Enright & Gitomer, 1989) نیز بر در نظر گرفتن موفقیت به‌عنوان پدیده‌ای چند بعدی تأکید کرده‌اند. برای مثال، استارک و همکاران موفقیت در تحصیلات تکمیلی را پدیده‌ای در نظر می‌گیرند که شامل دو بعد اصلی شایستگی حرفه‌ای و شایستگی نگرشی است (Hagedorn & Nora, 1996). کیلونن و همکاران (Kyllonen et al., 2005) نیز موفقیت را پدیده‌ای دو بعدی متشکل از عوامل عملکردی و عوامل عاطفی می‌دانند.

در نظر گرفتن موفقیت به‌عنوان پدیده‌ای چند بعدی اولاً تصویر واضح‌تری از موفقیت در دوره دکتری به‌دست می‌دهد و ثانیاً از این طریق می‌توان دقیق‌تر شایستگیهای مطلوب در زمان پذیرش دانشجویان را، که پیش‌شرط موفقیت در دوره دکتری هستند، مشخص کرد. به‌علاوه، این امر درک ما از نحوه سنجش آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین منظور، برای سنجش ابعاد گوناگون موفقیت در دوره دکتری به ابزارهای مختلفی نیاز داریم. در پژوهش حاضر این ابزارها به دو دسته کلی ارزشیابی و بهره‌وری علمی تقسیم شده‌اند. از این ابزار سنجش با عناوین گوناگون یاد شده است. برای مثال، هارتنت و ویلینگهام (Hartnett & Willingham, 1980) سه سنجه موفقیت شامل معیارهای سنتی، شواهد مرتبط با موفقیت حرفه‌ای و معیارهای طراحی شده با مقاصد خاص را از هم متمایز می‌کنند. کیلونن و

همکاران (Kyllonen et al., 2005) سنج‌های موفقیت در دوره تحصیلات تکمیلی را شامل 9 دسته معدل، آزمون جامع، ارزشیابی استادان، ارزشیابی همسالان، تقدیرنامه‌ها، بهره‌وری پژوهشی، شاخصهای شغلی، ترک تحصیل و مدت زمان اخذ مدرک تحصیلی می‌دانند.

شایان ذکر است که از نظر مشارکت کنندگان دانشجوی دوره دکتری را باید از بدو ورود تا زمان اتمام دوره زیر نظر گرفت و عملکرد وی را پیوسته ارزیابی کرد تا بتوان به تصویری شفاف‌تر از میزان پیشرفت وی دست یافت و در نهایت، کیفیت دوره دکتری را تضمین کرد. از نظر مشارکت کنندگان ارزشیابی تکوینی بارزتر از ارزشیابی پایانی است. با وجود این، باید توجه داشت که هر کدام از این سنج‌ها محدودیتها و معایب خاص خود را دارند و لازم است همزمان از چندین سنج برای سنجش عملکرد یا موفقیت استفاده کرد.

بعد از اینکه گروههای آموزشی مسئله ملاک را حل کردند، آن‌گاه می‌توان به مسئله پیش‌بین‌ها پرداخت. اولین سؤال در این مرحله این است که هنگام پذیرش دانشجوی دوره دکتری دنبال چه ویژگیهایی در داوطلبان هستیم. این ویژگیها باید مهارتها، تواناییها و شایستگیهایی را شامل شود که با تعریف موفقیت و عملکرد موفقیت‌آمیز در دوره دکتری همسو باشد؛ یعنی این ویژگیها باید بتواند بعد از ورود داوطلب به دوره دکتری به وی کمک کند تا عملکرد موفقیت‌آمیز را آن‌گونه که مدنظر گروه آموزشی است، به منصه ظهور برساند. بنابراین، از آنجا که گروههای آموزشی مختلف تعاریف گوناگونی از موفقیت و اجزای سازنده آن دارند، شایستگیهای مطلوب در زمان پذیرش نیز برای آنها مختلف خواهد بود. ویژگیهای مطلوب به دو دسته کلی شایستگیهای فردی و حرفه‌ای تقسیم شده‌اند. این شایستگیها می‌توانند به فرد، بعد از پذیرفته شدن در دوره دکتری، کمک کنند تا در هر سه بعد موفقیت شناسایی شده عملکرد خوبی داشته باشد و تناسب بین استاد-دانشجو و دانشجو- دوره را تضمین می‌کند. این یافته با مطالعه کراسی و همکاران (Crossby et al., 2003) همسویی دارد. آنها شایستگیهای مطلوب را به چهار دسته: فردی، حرفه‌ای، مهارت کلینیکی و تجربه کلینیکی تقسیم کردند. تفاوت پژوهش حاضر با مطالعه مذکور این است که در پژوهش حاضر مهارتها و تجارب حرفه‌ای به‌عنوان بخشی از شایستگی حرفه‌ای در نظر گرفته شده‌اند و بر خلاف مطالعه یادشده که مختص به جامعه پرستاری است، مطالعه حاضر قابلیت کاربرد در بیشتر رشته‌ها را دارد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های والپول و همکاران (Walpole et al., 2002) همسویی دارد، با این تفاوت که در پژوهش حاضر این شایستگیها به‌صورت منسجم در دسته‌های کلی‌تر که فهم و مدیریت آنها آسان‌تر باشد، جای داده شده‌اند. همچنین در این پژوهش علاوه بر تأیید یافته‌های مطالعات انرایت و گیتومر (Enright & Gitomer, 1989) و کیلونن و همکاران (Kyllonen et al., 2005) که عمدتاً شایستگیهای فردی را شناسایی کرده‌اند. از آنها فراتر رفته و شایستگیهای حرفه‌ای نیز به ادبیات پذیرش افزوده شده است.

امروزه، این اجماع وجود دارد که به‌منظور کاهش خطا و افزایش دقت و عدالت در تصمیمات مربوط به پذیرش دانشجویان دوره دکتری علاوه بر شایستگیهای شناختی یا آکادمیک باید به شایستگیهای

غیرشناختی یا غیرآکادمیک نیز توجه کرد (Kuncel & Hezlett, 2010). لیچاتز (Lipschutz, 1993) اظهار می‌دارد که باید در دوره‌های تحصیلات تکمیلی برای شناسایی عوامل فردی مرتبط با موفقیت همچون انگیزش، علاقه و مقابله با ابهام بیشتر تلاش شود.

ویژگیهای مطلوب زمان پذیرش دانشجویان دوره دکتری هر چه باشد، نحوه سنجش و کمی ساختن آنها مسئله خطیر دیگری است که بلافاصله مطرح می‌شود. در پژوهش حاضر سنجش‌های زمان پذیرش دانشجویان به رزومه، نمونه‌های نوشتاری، مصاحبه، آزمونهای استاندارد و کیفیت پژوهش تقسیم شدند. با این ابزارها کمیته‌های پذیرش دانشجویان می‌توانند اطمینان داشته باشند که در زمان پذیرش دانشجو هر دو حوزه شایستگیهای حرفه‌ای و فردی را می‌سنجد و بدین ترتیب، ارزیابی جامعی از متقاضیان ورود به دوره دکتری به عمل خواهند آورد. انرایت و گیتومر (Enright & Gitomer, 1989) توصیه می‌کنند که به‌منظور سنجش شایستگیها بهتر است از ابزارهای مصاحبه، تکمیل گزارش، نقد گزارش، بحث گروهی و طرح‌ریزی تحقیق استفاده شود. در پژوهش حاضر علاوه بر تأیید مصاحبه به‌عنوان ابزار ارزیابی، ابزارهای دیگری که با آنها می‌توان از داوطلبان دوره دکتری -هم از بعد فردی و هم از بعد حرفه‌ای- شناخت بیشتری به‌دست آورد نیز معرفی شده‌اند.

در ادبیات پژوهش از دو نوع مقیاس یا سنجه برای ارزیابی داوطلبان نام برده شده است که عبارت‌اند از: مقیاسهای سنتی و مقیاسهای غیرسنتی. مقیاسهای سنتی شامل معدل دوره‌های کارشناسی یا کارشناسی ارشد و آزمونهای استاندارد است که بیشتر شایستگیهای شناختی یا آکادمیک را می‌سنجند. مقیاسهای غیرسنتی ابزارهایی همچون توصیه‌نامه، مصاحبه، آزمونهای شخصیت و اظهارنامه‌های فردی²² را در بر می‌گیرد که هدف آنها سنجش شایستگیهای فردی داوطلب است. از آنجا که داوطلب برای داشتن عملکرد خوب در دوره دکتری به هر دو دسته شایستگیهای حرفه‌ای و فردی نیاز دارد، لازم است در زمان پذیرش دانشجویان از هر دو سنجه برای ارزیابی این شایستگیها استفاده شود. در پژوهش حاضر الزامات ورود کمی را می‌توان در حوزه مقیاسهای سنتی جای داد، چرا که بیشتر بر شایستگیهای آکادمیک -یا شایستگیهای حرفه‌ای- تأکید دارند و الزامات ورود کیفی را می‌توان در دسته مقیاسهای غیرسنتی قرار داد، چون با آنها بهتر می‌توان شایستگیهای غیرشناختی -یا شایستگیهای فردی- را سنجید.

رویکرد ما به نظام پذیرش دانشجویان در دوره دکتری در پژوهش حاضر همانند رویکرد مدیریت منابع انسانی به شغل و شاغل است. در مدیریت منابع انسانی به‌منظور استخدام یا به‌کارگیری افراد، ابتدا با تجزیه و تحلیل شغل نیازها، اهداف، ویژگیها، مسؤلیتها و وظایف شغل تعیین و از این طریق شرح شغل تدوین می‌شود. در گام بعد شرح شغل مبنا و راهنمایی برای کارمندیابی و گزینش داوطلبان است. در واقع،

۲۲. Personal Statement

از طریق تجزیه و تحلیل شغل مشخص می‌شود که برای احراز و اجرای موفقیت‌آمیز شغل داوطلب چه مهارت‌ها، شایستگی‌ها، تجرب و توانمندی‌هایی باید داشته باشد و چگونه باید این ویژگی‌ها را سنجید؛ بدین ترتیب، می‌توان اطمینان حاصل کرد که تناسب شغل - شاغل حفظ خواهد شد. در این پژوهش تلاش شد تا این دیدگاه به بدنه دانشگاهی القا شود، چرا که پذیرش دانشجویان دوره دکتری نیز همانند به‌کارگیری افراد برای شغلی خاص است. بنابراین، گروه‌های آموزشی لازم است ابتدا دوره دکتری را تجزیه و تحلیل و سپس، موفقیت و سنج‌های آن را به‌درستی تعریف کنند. این تجربه و تحلیل‌ها اهداف و ویژگی‌های دوره دکتری را توصیف می‌کند و مراحل، الزامات یا آزمون‌هایی را که دانشجو به‌منظور اتمام موفقیت‌آمیز دوره باید با موفقیت بگذراند، مشخص می‌کند و سپس، بر این اساس می‌توان شایستگی‌های مطلوب در زمان پذیرش دانشجویان دوره دکتری و الزامات ورود به این دوره را مشخص کرد.

در پژوهش حاضر متغیرهای دو سوی معادله پذیرش - ملاکها و پیش‌بین‌ها - بررسی و مشخص شد. گروه‌های آموزشی می‌توانند از الگوی نظری پژوهش حاضر به‌عنوان رهنمودی برای تصمیم‌گیری درست و منصفانه در زمان پذیرش دانشجویان دوره دکتری استفاده کنند تا بدین ترتیب اطمینان یابند که داوطلب شایسته به دوره دکتری وارد می‌شود و در نهایت، تناسب دانشجو - دوره حفظ خواهد شد. تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر این بود که به‌منظور شناسایی و انتخاب شایسته‌ترین داوطلبان دوره دکتری باید به دو عنصر ملاکها و پیش‌بین‌ها در نظام پذیرش توجه کرد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که گروه‌های آموزشی به‌منظور برقرار ساختن فرایند پذیرش شفاف و منصفانه گام‌های زیر را بردارند:

1. تعریف دوره دکتری و دانشجوی موفق این دوره؛
2. مشخص کردن الزامات دوره دکتری؛ این همان مرحله‌ای است که دانشجوی دکتری در طول دوره باید با موفقیت پشت سر بگذراند.
3. مشخص ساختن ویژگی‌ها یا شایستگی‌های مطلوب که می‌توانند موفقیت احتمالی داوطلب در دوره دکتری را تضمین کنند؛ گروه‌های آموزشی می‌توانند شایستگی‌های مطلوب مد نظر خود را به دو دسته شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های حرفه‌ای تقسیم کنند.
4. مشخص کردن روش‌های ارزیابی شایستگی‌ها و ویژگی‌های مطلوب؛ گروه‌های آموزشی می‌توانند الزامات ورود خود را به دو دسته الزامات ورود کمی و الزامات ورود کیفی دسته‌بندی کنند. گروه‌های آموزشی باید اطمینان یابند که این روش‌ها روا، پایا و مرتبط‌اند.
5. با توجه به اینکه هر گروه آموزشی نیازها و اهداف خاص خود را دارد، گروه‌های آموزشی می‌توانند به هر یک از متغیرهای مدل وزن متناسبی بدهند.

References

1. Bell, S.M., Blumstein, J., Brose, K., Carroll, A., Chang, J., Charles, J., Haswell, E.S., Michelitsch, M., Owens, J.C., Patil, C.K., Smith, R., Tupy, J., Walsh, E., & Ware, T. (۲۰۱۴). Defining success in graduate school. Biology Faculty Publications. Paper ۴۶.
2. Bittlingmaier, B.H. (۱۹۷۷). Admissions criteria and success in two school psychology programs. (Doctoral dissertation). Fordham University.
3. Bitusikova, A. (۲۰۱۰). Master and doctoral education in Europe: Key challenges for quality assurance. In Quality assurance in higher education. Retrieved from www.Enqa.eu/pubs.lasso.
4. Burmeister, J., McSpadden, E., Rakowski, J., Nalichowski, A., Yudelev, M., & Snyder, M. (۲۰۱۴). Correlation of admissions statistics to graduate student success in medical physics. *Journal of Applied Clinical Medical Physics*, ۱۵(۱), ۳۷۵-۳۸۵.
5. Burton, N.W., & Wang, M.M. (۲۰۰۵). *Predicting long-term success in graduate school: A collaborative validity study*. Educational Testing Service, Princeton, NJ ۰۸۵۴۱.
6. Crosby, F.E., Dunn, J.D., Fallacaro, M.D., Jozwiak-Shields, C., & Maclsaac, A.M. (۲۰۰۳). Preadmission characteristics of advanced practice nursing students. *Journal of the American Academy of Nurse Practitioners*, ۱۵(۹), ۴۲۴-۴۳۱.
7. Da Roza, A.E. (۱۹۸۸). The predictive validity of admissions criteria for academic success at Pacific Graduate School of Psychology. (Doctoral dissertation). University of San Francisco.
8. Dodge, L., & Derwin, E.B. (۲۰۰۸). Overcoming barriers of tradition through an effective new graduate admission policy. *The Journal of Continuing Higher Education*, ۱۶(۲), ۲-۱۱.
9. Enright, M.K., & Gitomer, D. (۱۹۸۹). *Toward a description of successful graduate students*. Graduate Record Examinations Board Research Report GREB, No. ۸۵-۱۷, R. Princeton, NJ: Educational Testing Service.
10. Fauber, R.L. (۲۰۰۶). Graduate admissions in clinical psychology: Observations on the present and thoughts on the future. *Clinical Psychology: Science and Practice*, ۱۳(۳), ۲۲۷-۲۳۴.

11. Feletti, G.I., Sanson-Fisher, W., & Vidler, M. (۱۹۸۵). Evaluating a new approach to electing medical students. *Medical Education*, ۱۹, ۲۷۶-۲۸۴.
12. Fu, Y. (۲۰۱۲). The effectiveness of traditional admissions criteria in predicting college and graduate success for American and international students. (Doctoral dissertation). University of Arizona.
13. Hagedorn, L.S., & Nora, A. (۱۹۹۶). Rethinking admissions criteria in graduate and professional programs. *New Directions for Institutional Research*, (۹۲), ۳۱-۴۴.
14. Handa, S., & Gordon, P.J. (۱۹۹۹). University admissions policy in a developing country: Evidence from the University of the West Indies. *Economics of Education Review*, ۱۸, ۲۷۹-۲۸۹.
15. Hartnett, R.T., & Willingham, W.W. (۱۹۸۰). The criterion problem: What measure of success in graduate education? *Applied Psychological Measurement*, ۴(۳), ۲۸۱-۲۹۱.
16. Hollander, K. (۲۰۱۰). Quality assurance from the doctoral candidates' and junior researchers' perspective. In: Bitusikova, A. et al., *Quality assurance in higher education*. Retrived from www.Enqa.eu/pubs.lasso.
17. <http://www.graduate.study.cam.ac.uk/courses/directory/blbcdpbc>.
18. <http://www.graduate.study.cam.ac.uk/courses/directory/blbcdpbc/requirements>.
19. http://www.gsas.harvard.edu/programs_of_study/psychology.php.
20. <http://www.gsb.stanford.edu/programs/phd/academic-experience>.
21. <http://www.gsb.stanford.edu/programs/phd/academic-experience/degree-requirements>.
22. Ibrahim, N.S., Yusof, N.S.H.C., Razak, N.F.A., & Norshahidi, N.D. (۲۰۱۴). A meta-analysis of the relationship between big five personality traits and students' academic achievement. *Proceeding of the Social Sciences Research*.
23. Kehm, B.M. (۲۰۱۰). Quality in European higher education: The influence of the Bologna process. *Change: The Magazine of Higher Learning*, ۴۲(۳), ۴۰-۴۶.

24. Kuncel, N.R., & Hezlett, S.A. (۲۰۱۰). Facts and fiction in cognitive ability testing for admissions and hiring decisions. *Current Directions in Psychological Science*, ۱۹(۶), ۳۳۹-۳۴۵.
25. Kuncel, N.R.; Hezlett, S.A. & Ones, D.S. (۲۰۰۱). A comprehensive meta-analysis of the predictive validity of the graduate record examination: Implications for graduate student selection and performance. *Psychological Bulletin*, ۱۲۷(۱), ۱۶۲-۱۸۱.
26. Kyllonen, P.C., Walters, A.M., & Kaufman, J.C. (۲۰۰۵). No cognitive constructs and their assessment in graduate education: A review. *Educational Assessment*, ۱۰(۳), ۱۵۳-۱۸۴.
27. Lipschutz, S.S. (۱۹۹۳). Enhancing success in doctoral education, from policy to practice. *New Directories for Institutional Research*, ۸۰, ۶۹-۸۰.
28. Nelson, K.W., Canada, R.M., & Lancaster, L.B. (۲۰۰۳). An investigation of nonacademic admission criteria for doctoral-level counselor education and similar professional programs. *Journal of Humanistic Counseling, Education and Development*, ۴۲, ۳-۱۳.
29. Rippey, R. M., Thal, S., & Bongard, S.J. (۱۹۸۱). A study of the University of Connecticut's criteria for admission into medical school. *Medical Education*, ۱۵, ۲۹۸-۳۰۵.
30. Saaty, T.L., France, J.W., & Valentine, K.R. (۱۹۹۱). Modeling the graduate business school admissions process. *Socio-Econ. Plann. Sci.*, ۲۵(۲), ۱۵۵-۱۶۲.
31. Salvatori, P. (۲۰۰۱). Reliability and validity of admissions tools used to select students for the health profession. *Advances in Health Sciences Education*, ۶, ۱۵۹-۱۷۵.
32. Schwartz, S. (۲۰۰۴). *Fair admissions to higher education: Recommendations for good practice*. Admissions to higher education review. Retrieved from www.admissions-review.org.uk.
33. SPA (۲۰۱۴). *SPA good practice statement: Admissions policies*. Retrieved from www.spa.ac.uk.
34. Strauss, A., & Corbin, J. (۱۹۹۸). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and technique*. ۲nd ed., Sage Pub., London.
35. The Quality Assurance Agency for Higher Education (۲۰۰۴). *Code of practice for the assurance of academic quality and standards in higher*

- education, section 1: Postgraduate research programs*. Retrieved from www.qaa.ac.uk.
36. The Quality Assurance Agency for Higher Education (۲۰۰۶). *Code of practice for the assurance of academic quality and standards in higher education, section 10: Admissions to higher education*. Retrieved from www.qaa.ac.uk.
37. The Quality Assurance Agency for Higher Education (۲۰۱۳). *UK quality code for higher education, part B: assuring and enhancing academic quality, chapter B2: recruitment and admissions to higher education*. Retrieved from www.qaa.ac.uk.
38. Walpole, M.B., Burton, N.W., Kanyi, K., & Jakenthal, A. (۲۰۰۲). *Selecting successful graduate students: in-depth interview with GRE users* (GRE Board Research Report No. ۹۹-۱۱R). Princeton, NJ: ETS.
39. Weiner, O.D. (۲۰۱۳). How should we be selecting our graduate students? *Molecular Biology of the Cell*, ۲۵, ۴۲۹-۴۳۰.
40. Willingham, W.W. (۱۹۷۳). *Predicting success in graduate education*. Educational Testing Service, Princeton, N.J.

